

بردگی جاوید!

علی علیه السلام فرمود: **الطَّمَعُ رِقٌّ مُؤَبَّدٌ**. طمع، بردگی جاوید است. در هر بردگی، امید رهایی از طرف مالک هست، مگر بردگی از نوع طمع، که امیدی از جانب مالک به رهایی نیست. در این جا اختیار رها شدن به دست برده است، نه مالک. آن کس که می خواهد امر خدا را به پا دارد، باید از این اسارت رها باشد. حریت و آزادی معنوی، شرط توفیق مصلح دینی است. همچنان که یک زیون ملاحظه کار، توفیق اصلاح خدایی نمی یابد، و همچنان که یک گرفتار بیمار، موفق به مداوای جامعه خود نمی گردد، یک اسیر و بنده مطامع نفسانی نیز موفق نخواهد شد دیگران را از اسارت های اجتماعی یا معنوی باز دارد. پروردگار! تو مالک دلها و اندیشه هایی، دل های همه در دست توست، ما را بر راه راست ثابت نگه دار و از شر نفس اماره محفوظ بدار!

[مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ج ۲۴ ص ۹۸]

طلبی نداریم!

غم و شادی های دنیا را اگر منها کنیم، چیزی نمی ماند و طلبی نداریم. تا حالا هر چه بنا بوده، به ما رسیده است و هر چه مال ما نبوده، نرسیده است. بعد از این هم همین طور است. **قُلْ لَنْ يُمْسِبَنَا آلَا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا**: بگو جز آنچه خداوند برای ما مقرر نموده، به ما نمیرسد. **مَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئْكَ** و **مَا أَخْطَاكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبْكَ**: آنچه به تو رسید، نمیشد از تو بگذرد و نرسد و آنچه از تو رد شد و به تو نرسید، نمیشد به تو برسد.

[از فرمایشات مرحوم حاج اسماعیل دولابی در کتاب مصباح الهدی]

پول پاک!

یکی از شاگردان شهید مدرّس می گفت: مدرّس درس کفایة الأصول را در مدرسه سپهسالار تدریس می کرد و من مدتی به درس ایشان می رفتم. گاهی اوقات اتفاق می افتاد که مدرّس هفته ای دو روز، روزهای پنج شنبه و جمعه غیبت می کرد و ما فکر می کردیم که به دهات موقوفه می رود. دوستی داشتیم که ساکن شهریار بود. از من دعوت کرد به آن جا بروم. دعوتش را پذیرفتم و به منزلش رفتم. او ضمن صحبت گفت: سیدی است که گاه هفته ای یک روز به ده ما می آید و سر قنات می رود و با مقنّی ها کار می کند. بیشتر از همه آن ها هم کار می کند. یک روز عصر پنج شنبه به همراه میزبان از ده بیرون رفتم و به طور اتفاقی از کنار قنات عبور کردیم. مقنّی ها مشغول کار بودند. وقتی که دقّت کردم دیدم مدرّس نیز بالای چاه مشغول کشیدن سطل از چاه می باشد. دیگر نزدیک نشدم و سخنی هم نگفتم. روز شنبه در مدرسه گفتم: آقا شبیه شما را در فلان محل دیدم. فرمود: «اولاً کار برای کسی عار نیست، ثانیاً پولی را که من از این راه می گیرم، پاک تر از هر پولی است. مگر نشنیده ای که جدم فرمود: به نزد من کشیدن سنگ از کوه / به از منت ز مردان زمان است؟

[خاطره ای از شهید آیت الله سیّدحسن مدرّس، مجله گلبرگ آبان ۱۳۸۱، شماره ۳۵]



سوال

فرماندهان و مدیرانی که کارکنان خود را به تقوا و حفظ اموال بیت المال ترغیب و توصیه می کنند، ولی خود عمل نمی کنند (برای کارکنان مشهود می شود که اینان حرف می زنند، ولی عمل نمی کنند) و در بین کارکنان بد بینی به وجود می آورند، اداره سازمان به دست این افراد چه حکمی دارد؟

جواب

اولاً: بر کارکنان لازم است دستورات قانونی و توصیه های اخلاقی و شرعی فرماندهان را بپذیرفته، به آن عمل نمایند. ثانیاً: بر فرماندهان و مدیران لازم است به گونه ای رفتار کنند که تعارضی بین گفتار و رفتار آنان نباشد. ثالثاً: بر مراجع نظارتی لازم است برابر ضوابط و مقررات و با رعایت جایگاه فرماندهی و مدیریت، نظارت و بر حسب مورد تذکر و اقدام کنند.

(استفتائات مقام معظم رهبری امام خامنه ای در سایت معظم له به آدرس: leader.ir)